

بازشناسی خزر؛ بررسی ابعاد نامگذاری دریای شمال ایران

سجاد کریمی پاشاکی ۱، معصومه بابائی ۲

۱- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی و کارشناس امنیتی و انتظامی استانداری گیلان و

مدرس دانشگاه

Sajadkarimipashaki@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی توریسم، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد رشت

Skp_iran@yahoo.com

چکیده

نامگذاری مناسب عوارض جغرافیایی، تضمین کننده حقوق قانونی و معنوی ملت ها در روابط منطقه ای و بین الملل می باشد که در افق جغرافیای سیاسی هر کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اگر چه نامهای جغرافیایی نباید تحت تاثیر مسایل سیاسی قرار گیرند، اما به کاربری عناوین غیر کارشناسانه که به وسیله رواج بر سایر نام ها غلبه یافته است می تواند در دراز مدت منافع کشور ها را در آن حوضه جغرافیایی با چالش مواجه سازد. از مهمترین مسائلی که در نامگذاری مناسب و یکسان سازی نامهای جغرافیایی در چند ساله اخیر موجب بحث بسیار شده است، مساله نام پهنه آبی شمال ایران می باشد. گر چه نام رایج خزر به دلیل عمومیت یافتن و درج در کتب و نقشه ها متداول شده است اما بررسی پیشینه این نام و نیز گزینه های دیگر که شناخته شده می باشند می تواند زمینه ساز انتخابی صحیح و نیز تثبیت کننده حقوق قانونی و معنوی دریا برای ایران باشد. این مقاله در نظر دارد ضمن بررسی ابعاد نامگذاری دریای شمال ایران به بررسی نام خزر در طول تاریخ و نیز تجزیه و تحلیل نقشه های موجود تاریخی بپردازد و ضرورت های تجدید نظر در به کاربری نام خزر را عنوان نماید.

واژگان کلیدی: خزر، نامگذاری مناسب، پهنه آبی شمال ایران، واقعیت های تاریخی، جغرافیای سیاسی، حقوق قانونی و معنوی

نام های جغرافیایی نشأت گرفته از تاریخ، فرهنگ، هویت و جزئی از میراث ماندگار بشر است که بر محیط های جغرافیایی و نیز آثار به جای مانده از گذشتگان، به یادگار ثبت شده است. این نامها بیانگر قسمتی از هویت ملی ملت ها و جوامع انسانی است که فارغ از تصمیم گیری های سیاسی باید لحاظ گردد. بررسی و کنکاش در تاریخ، اسناد، کتب و نقشه ها به منظور برگزیدن مناسب ترین واژه از عمده ترین اقداماتی است که می توان در جهت یکسان سازی نامهای جغرافیایی انجام داد.

ایران از جمله کشور هایی است که به لحاظ جغرافیایی و تاریخی وضعیت منحصر به فردی در جهان دارد، قدمت تاریخی، آثار و اماکن برجای مانده، بیانگر پیشینه کهن تمدن ایرانی است که هر یک به همراه محیط های جغرافیایی، توانمندی های بالقوه ژئوکالچر را به نمایش می گذارند. در سالهای اخیر اگرچه نام خلیج فارس مورد حمله تبلیغاتی برخی از کشور ها با منظور تحریف قرار گرفته است اما استناد به نقشه ها، متون تاریخی، اسناد و معاهدات و تاکید بر حفظ این نام جایگاه آن را تثبیت نموده است. بدون شک توجه به نامگذاری حوضه های جغرافیایی که مشترک با دیگر کشور ها می باشند از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که حتی می تواند مالکیت حقوقی آن را نیز تحت شعاع قرار دهد. پهنه آبی شمال ایران نیز از این امر مستثنی نبوده، اگرچه در سالهای اخیر محققان به طور جد بر بازگشت به عناوین اصیل دریا تاکید کرده اند اما همچنان امر در هاله ای از ابهام مانده است. دریای هیرکانیوم، کاسپین، طبرستان، خزر، گیلان، دیلم و غیره همگی بیانگر تاریخ و قدمت طولانی این دریا و نیز جایگاه سیاسی - اقتصادی در میان اقوام حاشیه ای آن محسوب می گردد.

در این مقاله سعی بر آن است چالش هایی که رواج واژه دریای خزر ممکن است در حال و آینده متوجه منافع ملی ایران نماید مشخص، و راهبردی هایی را برای تبدیل این چالش به فرصت با تاکید بر حفظ هویت تاریخی و نیز دوری از ملاحظات سیاسی در تعیین نام این دریا پیشنهاد گردد.

معضل نامگذاری پهنه آبی شمال ایران

در پیرامون دریای خزر به عنوان پیکره آبی بسته ای در قلب آسیا، قلمروهای قومی، فرهنگی، جغرافیایی و دینی متفاوتی را گرد آورده است. به همین سبب مورخین، جغرافیدانان، سیاحان و مسافرانی که از هر جهت بدان دست یافتند با استفاده از نامهای بومی که مردم محل بدان داده بودند، نام آن را ذکر کرده اند. از آنجا که این پیکره آبی بسته و محلی همچون دریاهای آزاد دیگر بین المللی نبود، ناگزیر نامی یگانه و مورد قبول و تایید تمام ملل نداشت و در طول تاریخ نامهای محلی خود را حفظ کرد و از گوناگونی برخوردار شد. به همین سبب آنانی که از سوی جنوب بدان رسیدند آن را دریای دیلم، مازندران، گرگان و... و آنهایی که از شرق بدان رسیدند آن را دریای طبرستان، آبسکون و هیرکان و آنهایی که از شرق بدان دست یافتند آن را دریای باب (یا باب الابواب)، باکویه، سیاه کوه و در نهایت آنانی که از شمال و شمال شرقی بدان دست یافتند، به علت گذر از قلمرو خزران آن را دریای خزر نامیدند.

دریای شمال ایران که عموماً آن را خزر می نامند، از لحاظ جغرافیایی در منطقه استراتژیکی قرار دارد. پس از فروپاشی شوروی همسایگان این دریا از دو کشور ایران و روسیه مبدل به پنج کشور شدند که کشور های: ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان از دیگر حاشیه نشینان این دریا محسوب می گردند. وجود ذخایر بزرگ نفت و گاز که پس از فروپاشی سخت مورد توجه کشور های تازه استقلال یافته و نیز سرمایه گذاران غربی قرار گرفت، نقش به سزایی در معادلات منطقه ای به آن داده است. از این رو تثبیت حقوق معنوی این دریا می تواند تضمین گر حقوق مادی و قانونی آن باشد. اگر چه کشور های منطقه هنوز به توافقی جامع در

خصوص مالکیت و چگونگی بهره برداری از منابع بستری و زیر بستری دریا دست نیافته اند، اما تلاش هر کدام برای بالابردن سهم خود از دریا قابل توجه است.

به لحاظ تاریخی و زمین شناختی این دریاچه از دریای بزرگ تتیس عصر سوم زمین شناختی بر جای مانده و در متون کهن و سفر نامه های تاریخی از آن یاد شده است. با این حال تعدد واژگانی که این دریا بدانها خوانده شده است، باعث شده برخی تغلیب یافته و برجسته تر شوند. هر چند که این غلبه یافتن بیانگر حقیقت نام دریا نیست. نامگذاری هر دریا و دریاچه نشأت گرفته از فرهنگ قومی و طایفه ای بوده است. ... عجیبترین دریا از لحاظ نام و نامگذاری در متون و ادوار تاریخی، دریای خزر است. (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲) این بدان علت است که اقوام حاشیه نشین این دریا تکرر و در طول تاریخ متنوع بوده اند. اقوامی چون: آلبانیها، کاسپین ها، دیلم ها، غزها، هیرکانیها، خزرها، سیتها و تیور ها (مخفم پایان، ۱۳۷۵: ۳۹) جزء قومیت هایی هستند که در این حوضه حشر و نشر داشته اند. بنابراین در طول تاریخ به خصوص تاریخ معاصر دریا عناوین مختلفی به خود گرفته که مشهورترین آنها، کاسپین، طبرستان، گرگان، دیلم، مازندران و خزر بوده است. نکته جالب آن است که در دویست ساله اخیر مازندران و خزر گوی سبقت را از سایر عناوین ربوده، هر چند که هیچیک به قدمت عناوینی چون کاسپین یا هیرکانه نمی رسند. مازندران عنوانی شاهنامه ای و بحث برانگیز و خزر نیز که رواج آن در سده های نخستین هجری قمری رایج بوده، هیچ قرابتی با قومیت های ایرانی نداشته است. لذا معضل نامگذاری دریا با توجه به تحقیقات محققین و اظهار نظر صریح آنان در خصوص نام دریا، چشم اندازی پژوهشگرانه را فرا رو قرار می دهد.

نامگذاری اماکن تاریخی یا جغرافیایی باید بر سه اصل ۱- مکان و موقعیت، ۲- پیشینه تاریخی، ۳- ساختار و مفهوم (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۸) صورت پذیرد.

۱- مکان و موقعیت: دریا ها از جمله حوضه های جغرافیایی هستند که نامگذاری و یا انتخاب مناسبترین واژه به عنوان نام دریا می تواند پیامد های حقوقی و سیاسی را شامل حال منطقه نماید. دریای شمال ایران نیز از این حالت خارج نیست. اماکن و موقعیت های جغرافیایی به علت عدم دقت در نامگذاری و یا تثبیت نشدن نام می توانند مورد تعرض تبلیغاتی - سیاسی کشور های همجوار واقع شوند و بدین سبب هزینه های هنگفتی برای تثبیت موقعیت و نام بر دولت های مرتبط تحمیل خواهد شد.

۲- پیشینه تاریخی: هر نام جغرافیایی نشانگر پیشینه فرهنگ و تمدن اقوام و مللی است که در نزدیکی آن حوضه جغرافیایی می زیستند. در واقع در نامگذاری ها توجه به پیشینه و قدمت تاریخی و برگزیدن بهترین واژه اصل قرار می گیرد. در حاشیه دریای شمال ایران اقوام گوناگونی از هزاران سال قبل از میلاد تا دوران معاصر زندگی کرده اند، این بدان معنا است که به اندازه اقوام و ملل موجود می تواند نام برای این دریا تصور کرد چه بسا که حال نیز در بررسی کتب، نقشه ها و متون گذشته بیش از ۶۰ نام برای این دریا شناسایی شده است. (کریمی پاشاکی، ۱۳۸۷: ۲)

۳- ساختار و مفهوم: به کارگیری مناسب ترین گزینه که موجبات ابهام و دوگانگی مفهومی را تداعی ننماید با توجه به دو اصل قبلی می تواند واژه ای مناسب را بر حوضه جغرافیایی ارایه کند. ساختار و مفاهیمی که از یک سو مناسب مکان و موقعیت باشد و از سوی دیگر پیشینه تاریخی و فرهنگی در آن لحاظ شده باشد. در خصوص نام دریا نیز چنین است چرا که واژه انتخابی با توجه به قدمت پایدار ایران در حاشیه دریا و نیز آنکه قومیت های حاشیه جنوبی دریا در داخل ایران پراکنده و ساکن شده اند می تواند بر حاکمیت معنوی و یا تاریخی ایران بر دریا صحنه بگذارد. اگر چه نامگذاری مکان های جغرافیایی نباید از الگو های سیاسی پیروی کنند اما این فرایند تاثیرات سیاسی خواهند گذاشت.

آنچه که این سه اصل عنوان می دارند عدم وجود ملاحظات سیاسی و یا موقعیتی بر روی نامگذاری می باشند. به عنوان مثال خلیج فارس ، هیچگاه خلیج عربی نبوده و یا نام نداشته و یا شط العرب ، اروندرود نام نداشته است. بیان این نام های معادل یا بر گرفته از مطامع سیاسی می باشد و یا به عنوان نامی محلی از ابتدا وجود داشته است، اما تاکید بر بین المللی کردن آن و غلبه بر نام موجود هیچ سندیتی ندارد. از سوی دیگر تنها کشوری که به لحاظ تمرکز قومیتی و یکپارچگی حکومتی از دوران قدیم تا کنون در جنوب دریای شمال ایران پایدار باقی مانده ، ایران است چرا که نواحی شمالی آن متشکل از قومیت های گوناگون بوده که یا امروزه دیگر از آنان اثری باقی نمانده و یا اختلاط قومی آنان را در هم آمیخته است. پس از فروپاشی شوروی سابق ملت های بسیاری مستقل شدند که حتی با این وجود امروزه نیز واگرایی های قومیتی مشکلات خاصی را برای روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته فراهم کرده است.

در واقع عوامل ذیل می توانند نامگذاری را تحت الشعاع خود قرار دهند:

- ۱- ملت ها: که شامل اقوام و طایفه های مجاور حوضه جغرافیایی است.
- ۲- سرزمین ها و شهر ها : عناوین سرزمین ها و شهرها ممکن است بر نامگذاری حوضه جغرافیایی تاثیر بگذارد.
- ۳- اعتقادات: شامل باور ها، مذاهب، اماکن مقدس و آداب و رسوم و...
- ۴- اتفاقات خاص: مانند جنگ ها، رویداد های تاریخی و...
- ۵- تصمیمات سیاسی

قلمرو خزران

قدیمی ترین تاریخی که می توان حکایت از حال خزران نمود، مربوط به تاریخ ابن خلدون است که از آن می توان استنباط کرد که خزران در دوره اردشیر (۲۲۶-۲۴۰ میلادی) در صحنه تاریخ وجود داشتند(دانلپ، ۱۳۸۳: ۳۰). هر چند که این امپراتوری [خزر] در اوج قدرت خود ، از قرن هفتم تا دهم میلادی، نقش مهمی در تعیین سرنوشت اروپای قرون وسطائی و بالنتیجه اروپای امروزی بر عهده داشت.(کستلر، ۱۳۶۱: ۱۵) سفرنامه نویسان و مورخان بر این امر متفق هستند که خزرها در شمال ایران ، فراسوی دریا می زیستند، اما دقیقاً نسبت آنان با اقوام آن دوران مشخص نیست. دانلپ معتقد است که خزرها و مجارها با یکدیگر پیوند داشته اند و پیوند این دو منجر به شکل گیری دولت هنگری(مجارستان) شده بود(دانلپ، ۱۳۸۴: ۱۷) کستلر معتقد است که خزران، مردمی از تبار ترکان بوده، و موضع استراتژیکی مهمی را در مدخل حیاتی دریای سیاه و دریای مازندران اشتغال کرده بودند(کستلر، ۱۳۶۱: ۱۶) اما راجع به اینکه اهالی باستانی این ایالات نامبرده (خزر) از چه قومی بوده اند پژوهش های علمی آنان را جزء ملل آریایی محسوب نمی دارد و ما نیز دلایل صریحی در دست نداریم که به کدام گروه از اقوام باید آنها را منصوب دانست (انیوسترانتسرف، ۱۳۴۸: ۱۱۶) مورخینی چون مقدسی، ابن سعید مغربی، استخری و... هر یک گوشه ای از زندگی خزران را بازگو کرده اند. اما آنچه که تاریخ نشان می دهد بیانگر غیر متمدن و یاغی بودن این قوم است که همواره در تاخت و تاز با همسایگان به سر می بردند. به لحاظ دین و مذهب نیز مشخص شده است که آنان از بت پرستی دین یهود را برگزیدند. ابن ابی فضلان در سفر نامه خود مملکت خزر را چنین توصیف کرده است: خزر نام مملکتی است و اتیل پایتخت آن ، از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت غرب رود ولگا و قسمت شرق آن که قسمت غربی بزرگتر از قسمت شرقی است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۷۵) دانلپ معتقد است قلمرو آنان میان مسیر پایین دست ولگا و دامنه های شمالی جبال قفقاز قرار گرفته بود و تا سرزمین

های اطراف دریای آزوف در قرن نهم حتی تا نقاط دورتر غرب- تا کی یف و دنیپر میانی امتداد می یافت در ضمن در جانب شرقی نیز تا کرانه جیحون بر قبایل مختلف مسلط بودند. (دانلپ، ۱۳۸۴: ۹)
نقشه شماره ۱) قلمرو خزران از ۸۵۰ ق.م



نقشه شماره ۲) قلمرو خزران از ۸۵۰ ق.م تا ۶۰۰ ق.م



(www.Khazaria.com)

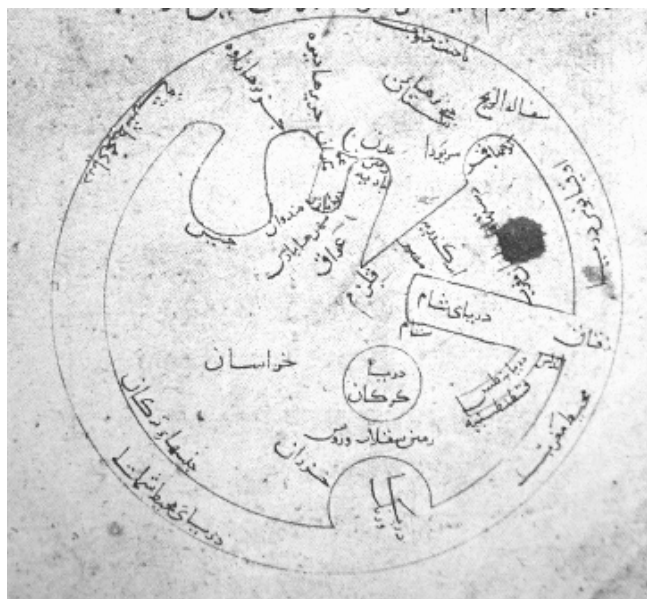
حکومت خزر ها در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم به وسیله روسها برچیده شد و نام آنها از تاریخ محو گردید، اما خود آنها در ناحیه خزر که عربها و ایرانیها نام آنها را به دریای خزر دادند همچنان سکونت کردند. (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۴۱) آنچه که از مجموع این اطلاعات بدست می آید مساله مهاجرت قبائل و جوامع خزر به نواحی اروپای شرقی بخصوص روسیه و لهستان است سرزمینهایی که در سرآغاز دوران جدید بزرگترین مراکز تجمع یهودیان را در آنها می یابیم. (کستلر، ۱۳۶۱: ۱۹)

علل رواج واژه خزر

رواج واژه خزر را باید در تغلیب جستجو نمود. علت وجودی واژه خزر بر دریای شمال ایران دو دلیل عمده دارد: ۱- علتی که ریشه در گذشته دور دارد ۲- علتی که ریشه در تاریخ معاصر دارد.
علت اولیه: با نگاهی به تاریخ ایران پیش و پس از اسلام می توان به راحتی متوجه علت نامگذاری دریا به خزر شد. پس از وفات پیامبر اسلام (ص) و آغاز خلافت امراء فتوحات لشکریان اسلام گسترش یافت و اسلام

وارد ایران شد. به علت شدت و کثرت جنگ هایی که فی مابین دولت اسلامی و خزران در سرحدات به وقوع پیوست مورخان و سفرنامه نویسان اسلامی نقش آفرینی خزرها را در مکتوبات خود لحاظ و بنا بر اهمیت موضوع نام دریا و منطقه را بحر الخزر نامیدند. اگر به متون تاریخ نگاران کهن چون هرودوت، استرابو، بطليموس، استرابون و... توجه شود مشخص می گردد که دریا کاسپی نام گرفته بود. برای نمونه: پریسکوس عنوان می دارد چون در سال ۴۶۸ م سراگورها به ایران حمله کردند، در دروازه های دریای قزوین (دربند) با پادگانی ایرانی روبرو شدند که قبلاً از گذرگاه در برابر کیداری ها دفاع می کردند (دانلپ، ۱۳۸۴: ۳۱). همچنین در نقشه جهان و هفت اقلیم بیرونی نام دریا گرگان و در نقشه آسیای غربی و مدیترانه ابن حوقل دریای الجیل و الدیلم و در نقشه محمود کاشغری نیز نام دریا بحر السکون آمده است.

نقشه شماره ۳) نقشه هفت اقلیم بیرونی



منبع: (آرام، ۱۳۶۶: ۵۰)

همانگونه که بیان شد رواج و غلبه یافتن نام خزر به علت بازیگری تشنج آفرینانه خزران در منطقه شمال ایران بود که مردمان و سایر مورخین در دیگر بلاد اسلامی، این حوضه را با این نام شناسایی نمودند. در گذشته، هر چه از عارضه، یا نقطه ای جغرافیایی دور تر شده، به علت:

- ۱- بی سوادی
 - ۲- ناآشنایی مردم با مناطق جغرافیایی جهان اسلام
 - ۳- نبود منابع مطالعاتی در دسترس
 - ۴- عدم اطلاع رسانی
 - ۵- و...؛ آشنایی با دریا و عناوین اصلی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و کلمات بر اثر حوادث، رویدادها، قومیت ها و... بر سرزمین ها نهاده می شد.^۱
- علت دوم ریشه در تاریخ معاصر دارد. به دلیل رواج واژه خزر این واژه بر دیگر عناوین دریا غلبه یافته و مورد استفاده قرار گرفته شده است. خزر، به طور رسمی در دوره قاجاریه در مکاتبات و قرارداد های این زمان

^۱ - برای نمونه عنوان بحر الروم به دریای مدیترانه فعلی به نقل از:

www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=540

در اسناد آمده است و این اسم به طور مستمر از سوی اعراب، ترک ها و ایرانی ها بر پهنه آبی شمال ایران اطلاق شده است. (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴) رواج امروزی دریای خزر به طور کلی به زمان اشغالگری روس ها در دوره قاجاریه و کوتاه سازی دست ایرانیان از این دریا برمی گردد. (fa.wikipedia.com) با فرا رسیدن دوران معاصر و استحکام یافتن روابط بین دولی به شکل کلاسیک و توجه به معاهدات، پیمانها و... نام خزر به شکل رسمی وارد مکاتبات رسمی دولتی شده به عنوان نمونه در دوران احمد شاه اسناد مربوط به دریا با عنوان بحر خزر نگاشته می شد.^۱ هر چند تا کنون در مقالات بسیاری، پیشنهاد تغییر نام دریا از خزر را داده اند اما کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نامهای جغرافیایی ایران در جلسه مورخ ۸۱/۹/۱۸ متن ذیل را به تصویب رساند: (جهت جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم احتمالی و جلوگیری از تشتت آراء در زمینه نام پهنه آبی شمال کشور، از نام «خزر» در داخل کشور و Caspian در متون خارجی، قراردادهای و معاهدات بین المللی استفاده گردد. بنابراین با توجه به مصوبه مذکور در کلیه مکاتبات، قراردادهای، اسناد و مدارک، متون درسی، نقشه ها و اطلس ها و وسایل ارتباط جمعی از نام خزر استفاده شود و از نامی غیر از نامهای مصوب کمیته استفاده نگردد) (ورجاوند، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

مشکلات کاربری نام دریای خزر

عمده مشکل موجود در به کاربردن واژه خزر ابعاد دوگانه استفاده از این کلمه می باشد. نتیجه این مشکل را می توان در ترجمه های موجود جستجو کرد. اغلب مترجمین واژه کاسپین را خزر ترجمه می کنند و این ترجمه در متون حتی در نقشه ها و اشکال تاریخی نیز اعمال می گردد. مهمترین مساله در این خصوص، هنگام نوشتن نامها در نقشه های جغرافیایی آن است که عنوان حوضه ای را آگاهانه تحریف نموده و در کتابها و نقشه های جغرافیایی وارد می کنند. در واقع چون کتابها و نقشه های جغرافیایی، پس از گذشت مدت زمانی به عنوان مدرک در مجامع بین المللی حقوقی مورد استفاده و استناد قرار می گیرند، درگیریهایی به وجود می آورد (زاهدی، ۱۳۷۰: ۱۴۴).

مشخصاً کاسپین ترجمه تحت اللفظی خزر نمی باشد و نیز از این کلمه نیز مشتق نشده است، اما ترجمه آن به خزر باعث شده منابع ترجمه شده تاریخی گویا نباشند و لزوماً مراجعه به اصل منبع ضروری گردد. به عنوان مثال در نقشه صفحه ۲۵۱ کتاب جغرافیای تاریخی شهرها، نقشه ای از زمان هخامنشیان ترسیم شده است که در آن نام دریا بحر خزر عنوان شده است (نهجیری، ۱۳۷۰: ۲۵۱). در صورتی که این نام در آن دوران سنخیت تاریخی ندارد. دو گانگی در کاربرد واژه مشکلات خاص دیگری را در دراز مدت به ارمغان می آورد که نتیجه آن کم رنگ شدن ابعاد حاکمیت معنوی ایران بر دریا خواهد شد. واژه ای که قریب به اتفاق کشور های دنیا و سازمان های جهانی از آن به کاسپین یاد می کنند در ایران: خزر، در کشور های عربی: بحر القزوين و سایر کشور ها، آن را کاسپین می خوانند این موضوع مشابه آن است که: خلیج فارس نام داخلی در ایران منظور گردد، در کشور های عربی الخلیج العربی رواج شدود و جامعه بین الملل نیز عنوان خلیج را به پهنه آبی جنوب ایران دهند. گرچه این مثال مناقشه بر انگیز است اما ابعاد دوگانه استفاده از این نام آنهم توسط کشور ذینفع (ایران)، ممکن است معضلاتی چنین را حاصل نماید.

^۲ - برای مطالعه بیشتر: به: اسناد شماره ۱۱۹-۱۲۰ و... گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه

کاربرد دو گانه واژه خزر مشکلاتی را فراهم آورده که برخی از آنها به شرح ذیل می باشند:

۱. در ترجمه متون تاریخی واژه کاسپین نادیده گرفته شده و به خزر ترجمه می گردد.
۲. از آنجا که خزرها با ایرانیان و ساکنین حاشیه جنوبی دریا قرابت نداشته رواج نام خزر برای دریا تداعی کننده پیوند خاص تلقی می گردد.
۳. در ترجمه متون فارسی به دیگر زبانها عنوان واژه خزر مشکلاتی را به وجود آورده و موجبات ترویج نام خواهد شد.
۴. در آمد و شد توریست های خارجی به ایران واژه خزر برای دریا ترویج و صادر خواهد شد.
۵. بسیاری از شرکت های داخلی که در امر صادرات فعالیت می کنند با ابهام در کاربرد نام مواجه خواهند شد چرا که اگر قرار است نام خزر در خارج از ایران کاسپین شود ممکن است نام شرکت تحت الشعاع قرار گیرد که این خود مشکلات قانونی را به همراه خواهد داشت و نیز محصولاتی که با عنوان خزر صادر می شوند باعث توسعه و ترویج واژه خزر در سایر نقاط دنیا می شوند.
۶. در همایش ها و سمینار ها و یا مسابقات منطقه ای که در ایران تشکیل می شود عنوان جام خزر و یا عناوین مشابه مشروعیت دریای کاسپین را در اذهان عمومی جهانیان و نیز شرکت کنندگان خارجی با چالش مواجه خواهد کرد.
۷. با توجه به اینکه عنوان شده است خزران با صهیونیست ها قرابت تاریخی و نسبی دارند جایز نیست که از نام خزر برای این دریا استفاده شود، چرا که صهیونیست ها برای تثبیت خود در منطقه و جهان از کوچکترین فرصتی مسامحه نمی کنند (هلوکاست ، شعار نیل تا فرات و...) (کریمی پاشاکی، ۱۳۸۷: ۱۴)

علت نامگذاری «بحر قزوین» در منابع عربی

در برخی منابع گفته شده است که چون خزرها سد راه توسعه نفوذ اسلام بسوی شمال باب الابواب و شمال کوههای قفقاز شدند، اعراب بدین جهت از خزرها تنفر دارند و نمی خواهند نام آنان بر این دریا نهاده شود. از سوی دیگر چون خزرها از پذیرش اسلام سرباز زدند و مسلمان نشده و به یهودیت گرویدند، نباید نام آنان در منابع اسلامی بکار برده شود. اما حقیقت در این است که در زبان عربی «کاسپین: معرب و به «قزوین» تبدیل شده است. بنابراین می توان گفت که در منابع عربی نام صحیح دریای کاسپین بکار برده می شود.^۱

خزر، مازندران، کاسپین یا...؟

به منظور انتخاب نامی مناسب تا کنون تحقیقات بسیاری صورت گرفته که عموماً در آن واژه کاسپین یا کاسپیان پیشنهاد شده است. اما آنچه قابل توجه است لحاظ نگرفتن این پژوهش ها در عرصه عمل است. مرکز پژوهش های مجلس در پاسخ به سوال نماینده مردم گیلان^۲ در مجلس شورای اسلامی در خصوص

^۱ - یاد آوری این نکته ضروری است که در دوره خزرها، نمایندگانی از سه دین الهی اسلام، مسیحیت و یهودیت به نزد خاقان خزرها رفته و هر کدام می خواست که خزر ها را به دین خود دعوت کند. اما از آنجا که خزر ها در جنوب با قلمرو مسلمانان و در شمال و غرب با قلمرو مسیحیان همسایه بودند، پذیرش هر یک از آنها موجب دشمنی با دیگری می شد. برای همین منظور و جلوگیری از واقع شدن در منطقه ای حایل بین دو قلمرو دینی، خزرها دین سوم یا یهودیت را برگزیدند که قلمرو آن در همسایگی خزر ها نبود و آنان را از رویارویی دینی بر حذر می داشت.

^۲ - دکتر رمضانعلی صادق زاده نماینده مردم شهرستان رشت در مجلس هفتم

تعدد در نامگذاری و پیشنهاد تغییر نام خزر ضمن صحنه بر موضوع عنوان داشته است: نخستین تغییر نام دریا در ایران برای دوران معاصر در سال ۱۳۷۵ رخ داد که بر اساس مصوبه هیئت وزیران، با تاکید بر هویت ایرانی دریا، نام پهنه آبی شمال کشور از دریای خزر به دریای مازندران تغییر داده شد. اما در اواخر سال ۱۳۸۱ نام این دریا مجدداً به دریای خزر تغییر یافت. همچنین کمیته تخصصی نام گذاری و یکسان سازی نام‌های جغرافیایی ایران در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۳۰ طی بخشنامه‌ای با امضای محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور به تمام نهادهای دولتی ابلاغ کرد که: «جهت جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم احتمالی و جلوگیری از تشتت آرا در زمینه نام احتمالی پهنه آبی شمال کشور، از نام «خزر» در داخل و از نام Caspian در متون خارجی قراردادهای و معاهدات بین‌المللی استفاده شود» و این اقدام ظاهراً برای پرهیز از تکرار تجربه ناخوشایندی است که ایران در طی سال‌های اخیر درباره نام خلیج فارس مشاهده کرده است. با این اوصاف، تصور عموم مردم نیز همواره بر این بوده که خزر ترجمه فارسی کلمه کاسپین است. از سوی دیگر، واژه خزر معمولاً واژه‌ای، فارسی و Caspian واژه‌ای، لاتین انگاشته می‌شود و این در حالی است که نه تنها این تصورات کامل اشتباهند بلکه به نظر می‌رسد آشفتگی نامگذاری به آشفتگی در معنای نام و در نتیجه ناآشنایی با ریشه نام دریا نیز منتهی شده است. با عنایت به عدم تناسب نام «دریای خزر» بر پهنه دریای شمال ایران، مناسب است برای نامگذاری این دریا کمیته‌ای مرکب از نهادهای مسئول به منظور تصمیم‌گیری جدی در این خصوص تشکیل شود تا منافع ملی کشور را در این زمینه حفظ کند. از باب نمونه استفاده از نام کاسپین که از سوی دولت برای استفاده‌های بین‌المللی توصیه شده باید با این توجه باشد که اصولاً واژه کاسپین برآمده از قوم کاسپ است که قبل از آریایی‌ها در ایران می‌زیستند و این نام یک نام ایرانی است. (Majlis.ir)

همچنین با بررسی کتابهای تاریخی و توجه به نظر مورخان و نویسندگان تاریخ شناس چون آرنولد توین بی^۱ و یا هنری فیلد^۲ و... مشخص می‌شود که نام کاسپین می‌تواند مناسب تر از سایر گزینه‌ها باشد. از سوی دیگر به کاربردن دریای مازندران که در دورانی به عنوان واژه مکمل استفاده می‌شد به سه دلیل:

۱- قدمت و تناسب تاریخی

۲- تبعیض در نامگذاری

۳- عدم رواج در عرصه بین‌المللی (کریمی پاشاکی، ۱۳۸۷: ۷) مناسب نمی‌باشد.

درخصوص رواج واژه مازندران عنوان شده است: نه ریشه و نه زمان پیدایش این اسم معلوم نیست. یاقوت (سده سیزدهم میلادی) می‌پندارند که این اسم باید جدید باشد زیرا در هیچ یک از منابع زمان او دیده نمی‌شده است. همچنین جغرافیدانان سده دهم مازندران را با اسم طبرستان می‌شناختند و پایتخت آن ساری بود (بارتلد، ۱۳۷۷: ۳۰۳). بنابراین به کارگیری واژه مذکور نمی‌تواند بر طرف کننده دغدغه‌های موجود باشد و چه بسا مشکلاتی را نیز به وجود خواهد آورد.

^۱ - برای مطالعه بیشتر رش ب: کتاب جغرافیای اداری هخامنشیان ص ۴۵-۵۱-۵۲ و...

^۲ - هنری فیلد در کتاب مردم شناسی ایران می‌گوید: اگر نامی برای مردم بومی این کشور (ایران) لازم باشد، صلاح در آن است که آنها را کاسپین خوانند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

به کار گیری اهداف سیاسی در نامگذاری های جغرافیایی می تواند حقایق تاریخی را در پرتو واقعیت های مدرن پنهان دارد و این مساله باعث اجحاف در حقوق ملت ها ، تاریخ و فرهنگ می گردد. حوضه های طبیعی که علاوه بر موقعیت مکانی از ویژگی های خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک برخوردارند از جمله مکانهایی هستند که باید در نامگذاری آنها کمال دقت و اهتمام را مبذول داشت خصوصاً اگر این مکانهای جغرافیایی مشترک با دیگر کشور ها باشند. پهنه آبی شمال ایران اگر چه در طول تاریخ عناوین بسیاری را به خود گرفته است اما آنچه که از این عناوین به جای مانده بیانگر تاریخ و فرهنگ اقوام گوناگونی بوده که در حاشیه این دریا زیسته اند و در این میان ایران به عنوان شاخص تمدنی منطقه، بسیاری از این اقوام را در خود جای داده است که امروزه می توان آنان را بطور پراکنده در سرتاسر کشور پراکنده یافت.

معضل انتخاب عنوانی مناسب برای دریا به تقابلی پژوهش گرانه میان اندیشمندان - محققان و دولتمردان بدل شده است. چرا که پس از مصوبه اخیر هیات دولت در یکسان سازی و عنوان دریای خزر، مقالات بسیاری در برجسته نمودن عناوین کهن چون کاسپین یا کاسپیان نوشته شده است. اگر چه دور از حقیقت نیست که اقوام خزر در شمال این دریا زیسته اند اما واژگانی چون کاسپین از قدمت بیشتر و پذیرش مناسب تری برخوردار هستند از آنرو که ، بیانگر تاریخ - تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله ایران زمین می باشد. بنابراین کاربری واژه خزر نمی تواند منافع ملی ایران در در بلند مدت حفظ نماید و مانوس تر آن است که از واژه ای که در میان جهانیان پذیرفته تر و مقبول تر می باشد استفاده شود. لذا پیشنهاد می شود:

- ۱- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، فرهنگستان ادب فارسی ، مرکز مطالعات استراتژیک مصلحت نظام طی نشستی مشورتی مشترک به پیشنهاد واژه ای مناسب برای عنوان دریا اقدام نمایند.
- ۲- در رابطه با موضوع بند ۱، سمینار ها و همایش های تخصصی با دعوت از کارشناسان و پژوهشگران و دانشگاهیان برگزار تا در خصوص تعیین نام دریا اجماع نظر برقرار گردد.
- ۳- دریای خزر از متون درسی حذف و به جای آن از واژه دریای کاسپین یا کاسپیان استفاده گردد.
- ۴- واژه کاسپین در مکاتبات رسمی داخلی و خارجی لحاظ و در رسانه های گروهی و جمعی از دریای کاسپین یا کاسپیان استفاده شود.
- ۵- اداره ثبت موظف شود تا شرکتهایی که تحت عنوان "دریای خزر" تقاضای تاسیس شرکت می نمایند، اعطای مجوز را منوط به تغییر نام نماید.
- ۶- تاکید گردد تا در ترجمه متون به فارسی، واژه Caspian sea ، دریای کاسپین یا کاسپیان ترجمه شود.
- ۷- در نقشه ها عنوان دریای مازندران یا خزر حذف و از دریای کاسپین یا کاسپیان استفاده گردد.

منابع و مآخذ:

- آرام، احمد (۱۳۶۶) علم در اسلام، تهران: انتشارات سروش
- احمدی پور، زهرا و دیگران (۱۳۸۴) پهنه آبی شمال ایران: خزر یا کاسپین، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول شماره اول
- انیوسترانترسف، کنستانتین (۱۳۴۸) مطالعاتی درباره ساسانیان، ترجمه دکتر کاظم کاظم زاده، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب
- بارتلد، واسیلی ولادیمیریچ (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی
- توین بی، آرتور (۱۳۷۹)، جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار
- دانلپ، دی ام (۱۳۸۲) تاریخ خزران از پیدایش تا انقراض، ترجمه محسن خادم، تهران: انتشارات ققنوس
- زاهدی، مجید (۱۳۷۰) مقدمه ای بر کارتوگرافی، تهران: انتشارات سمت به نقل از مقاله جایگاه نام خزر در ایران و بررسی علل پذیرش این نام در عصر حاضر نوشته محمد رضا پور غلامی سروندانی ارایه شده در چهارمین همایش یکسان سازی نامهای جغرافیایی
- شیرازی، مهدی (۱۳۸۳) و اینک اسرائیل، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی پیوند با امام (ره)
- فیروزی، بی نام و دیگران (۱۳۸۷) نام دریای خزر در نقشه ها، چهارمین همایش یکسان سازی نامهای جغرافیایی، تهران: سازمان نقشه برداری کشور
- کریمی، سجاد (۱۳۸۷) منافع ملی ایران در نامگذاری مناسب: خزر، مازندران، کاسپین؟، چهارمین همایش یکسان سازی نامهای جغرافیایی، تهران: سازمان نقشه برداری کشور
- کستلر، آرتور (۱۳۶۱) خزران، ترجمه محمد علی موحد، چاپ اول تهران: انتشارات خوارزمی
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۷۴) گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش: محمد نادر نصیری مقدم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه
- مفخم پایان، لطف اله (۱۳۷۵) دریای خزر، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: انتشارات هدایت
- نهجیری، عبدالحسین (۱۳۷۷) جغرافیای تاریخی شهر، تهران: انتشارات مدرسه
- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۲)، دریای مازندران یا خزر، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۲- ۱۸۳

فروردین و اردیبهشت ۸۲

- www.encyclopaediaislamica.com
- www.fa.wikipedia.com
- www.khazaria.com

